

## بحثی پیرامون مشروعیت دادگاه جنایی بین‌المللی

مرتضی درودیان، قاضی دادسرای نظامی تهران

### ۱- تاریخچه:

از زمانی که سازمان ملل متحد، نیاز جامعه بین‌الملل به تأسیس یک دادگاه جنایی بین‌المللی را به‌منظور تعقیب جرایمی همچون نسل‌کشی و پاکسازی قومی به رسمیت شناخت، بیش از پنجاه سال می‌گذرد. سازمان ملل در نهم دسامبر سال ۱۹۴۸م، به موجب قطعنامه ۲۶۰ در مجمع عمومی، با تأیید بر این موضوع که در تمام ادوار تاریخی، نسل‌کشی، خسارات غیر قابل جبرانی بر بشریت وارد کرده است، درخواست کرد که به‌منظور تأمین آزادی‌های مردم جهان در برابر این اقدامات ضد بشری، قطعنامه‌ای جهت مجازات مرتکبین جرایم علیه بشریت به تصویب برسد.

این قطعنامه پس از طی مراحل مختلفی به تصویب رسید و در بند یک قطعنامه مذکور، نسل‌کشی به عنوان جرمی که قابل محاکمه در دادگاه جنایی بین‌المللی است، بر شمرده شد و در بند شش آن، دادگاه صالح جهت رسیدگی به این نوع جرایم، دادگاه محل وقوع جرم اعلام شد.

مجدداً سازمان ملل در قطعنامه مشابه‌ای از جامعه بین‌الملل درخواست کرد که در مورد طراحی و امکان ایجاد یک ارگان جزایی بین‌المللی بررسی و نظریه خود را اعلام کند.

به موازات این اقدامات، بروز فجایعی مانند کشتار دو میلیون انسان بی‌گناه در کامبوج توسط گروه کمونیستی خمرهای سرخ، قتل عام مردم بی‌گناه در موزامبیک، لیبیا، السالوادور و کشورهای دیگر، مقامات جامعه بین‌الملل را بیشتر به تشکیل دادگاه جنایی بین‌المللی ترغیب کرد تا اینکه در هفدهم جولای ۱۹۹۸م، با توجه به درخواست‌های مکرری که در این زمینه از سوی کشورهای مختلف صورت می‌گرفت، تأسیس دادگاه جنایی بین‌المللی به تصویب مجمع عمومی رسید<sup>(۱)</sup>.

### ۲- اهداف تأسیس دادگاه جنایی بین‌المللی:

طبعاً بخشی از اهداف تأسیس دادگاه جنایی بین‌المللی، می‌تواند همان اهدافی باشد که دادگاه‌های عادی به آن منظور تأسیس شده‌اند اما به لحاظ وجهه بین‌المللی این دادگاه‌ها، می‌توان موارد دیگری را به شرح زیر به آن افزود:

#### ۱-۲) پایان دادن به مصونیت جنایتکاران:

یکی از اهداف تبیین مجازات که قهراً در تأسیس دادگاه‌ها متجلی می‌شود، مجازات مجرمین به منظور ارباب مجرمین بالقوه است، اما چیزی که تاکنون در صحنه بین‌الملل مشاهده شده، این است که اعمال مجرمانه این دسته از مجرمین بلاعقاب مانده و بزرگ‌ترین مجازات آنان برکناری از شغل و زندگی در ویلاهای خصوصی با خدم و حشم است که در این زمینه می‌توان به زندگی "ژنرال پینوشه" دیکتاتور سابق شیلی و تلاش مردم این کشور در محاکمه این فرد اشاره کرد که تا کنون بی‌نتیجه مانده است. به تعبیر یکی از مقامات سابق سازمان ملل که در کمیسیون حقوق بشر فعالیت می‌کرده است در حال حاضر، تعقیب و مجازات فردی که یک نفر را کشته است به مراتب ساده‌تر از تعقیب و مجازات فردی است که صدها هزار نفر را کشته است<sup>(۲)</sup>.

با توجه به این واقعیت تلخ، جرم‌شناسان اعتقاد دارند که باید احساس مصونیتی را که مقامات سیاسی، دولتی، نظامی و حزبی کشورها در سایه آن اقدام به جنایت علیه بشریت می‌کنند، از آنان سلب کرد. لذا به‌موجب این ایده جرم‌شناسان و تبیین‌گران سیاست جنایی پیشنهاد کرده‌اند که بر خلاف دادگاه "نورنبرگ" که فقط مباشرین جرم را تحت تعقیب قرار داد، از این مرحله به بعد، می‌بایست طراحان، سیاستمداران و ایدئولوگ‌های حزبی نیز که در پشت این جنایات قرار دارند، محاکمه شوند.

## ۲-۲) پایان دادن به منازعات و جلوگیری از جنگ‌های آینده:

جرم‌شناسان منازعات قومی، ملی، نژادی و مذهبی را زمینه‌ساز جنایات علیه بشریت می‌دانند مانند آنچه در آلمان نازی، یوگسلاوی سابق، فلسطین اشغالی و عراق رخ داده است و لذا یکی از مأموریت‌های دادگاه مذکور، باید مداخله به موقع در این گونه مناقشات و پایان دادن به آنها باشد.

## ۲-۳) حفظ صلح و امنیت:

سازمان ملل، یکی از اهداف اولیه خود را حفظ صلح در جهان و گسترش عدل می‌داند تا بدین‌وسیله بتواند حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین مردم جهان را تأمین نماید، بدیهی است که صلح بدون وجود عدالت به دست نمی‌آید و عدالت نیز بدون وجود یک دادگاه مقتدر و دائمی ایجاد نمی‌شود. پس دنیا باید یک دادگاه جنایی بین‌المللی داشته باشد که این صلح و امنیت را تضمین کند.

## ۳- مشروعیت دادگاه‌های جنایی بین‌المللی:

در هر زمان که دادگاه‌های جنایی بین‌المللی به‌طور مقطعی و برای رسیدگی به یک موضوع خاص تشکیل می‌شوند، بحث در مورد این دادگاه‌ها از وجاهت و مشروعیت یک دادگاه صرف نظر از جنبه بین‌المللی آن برخوردار هستند یا خیر به‌وجود می‌آید و پس از پایان مأموریت آنان این بحث‌ها نیز به فراموشی سپرده می‌شود اما با تصمیم جدید سازمان ملل مبنی بر تأسیس دائمی این دادگاه، این موضوع بایستی به‌طور جدی مورد رسیدگی قرار گیرد.

با توجه باینکه اظهارنظر پیرامون مسایل بین‌المللی، همواره متأثر از ملاحظات سیاسی است، لذا اظهارنظر در مورد مشروعیت دادگاه‌های جنایی بین‌المللی نیز همواره از این منظر مورد نقد و بررسی قرار گرفته است اما ما در این مقاله و قبل از ورود به بحث اصلی، سعی می‌کنیم که این دادگاه‌ها را با دادگاه‌های عادی مورد مقایسه و سنجش قرار داده و سپس با استفاده از معیارهایی که به دادگاه‌های عادی مشروعیت می‌بخشد، مشروعیت دادگاه‌های جنایی بین‌المللی را مورد بررسی مجدد قرار داده و سپس با استفاده از این معیارها و جنبه بین‌المللی آن، به قضاوت نهایی بنشینیم.

## ۳-۱) مبانی مشروعیت دادگاه‌های عادی:

### ۳-۱-۱- عدالت:

"عدالت" در لغت به معنای رعایت "مروت" است و مروت عبارت است از اتصاف به‌اموری اعم از فعل و ترک فعل که در تمام جوامع به‌حسب زمان و مکان و شأن پسندیده است و این امور باید به حالت ملکه برسد<sup>(۳)</sup>. عادل بودن قاضی و داشتن صفت عدالت از مهم‌ترین ویژگی‌های یک دستگاه قضایی است، و در واقع هدف اصلی از تأسیس دادگاه‌ها ایجاد و گسترش عدالت در جامعه است که بدون وجود قضاتی عادل ایجاد آن ممکن نیست.

به تعبیر دیگر عدل و انصاف به معنای گذاشتن پایه حق بر مساوات برابر قانون و احترام به حقوق افراد می‌باشد و بدیهی است که تجلی این عدالت در صدور احکام عادلانه و اجرای آن است.

### ۲-۱-۳ - توانایی اجرای حکم:

پرواضح است که صرف صدور احکام عادلانه از سوی قضات عادل منجر به ایجاد عدل و داد در یک جامعه نمی‌شود و تحقق این امر مستلزم وجود یک قوه اجرایی کارآمد جهت اجرای حکم است، چه بسا این که کشورهایی که فاقد این بازوی اجرایی هستند نتوانسته اند به درستی عدالت را در جامعه جایگزین کنند و این مشکل قوه قضاییه کشورها را بر آن داشته که برای اجرای احکام خود، پلیس قضایی مستقل تأسیس کنند. بدیهی است این امر در درون مرزهای یک کشور به واسطه اقتدار و تسلطی که دولت بر اتباع خود دارد و با توجه به سازوکارهایی که پیش‌بینی شده و با توسل به نیروهایی مانند پلیس و سایر نیروهای انتظامی امکان‌پذیر بوده و اجرای آن غالباً به سادگی انجام می‌شود و عمدتاً کشورها در این زمینه با مشکلی مواجه نیستند.

### ۳-۱-۳ - استقلال:

استقلال قوه قضاییه و به تبع آن استقلال قضات، از آنچنان اهمیتی برخوردار است که معمولاً این موضوع در قانون اساسی کشورها آورده می‌شود تا ضمن بالا بردن اهمیت موضوع، استقلال دستگاه قضایی کمتر مورد آسیب و خدشه قرار گیرد. اصول یک‌صد و پنجاه و ششم و یک‌صد و شصت و چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز این موضوع را مورد تأکید قرار داده است.

قاضی دادگاه می‌بایست مستقل از هرگونه وابستگی سیاسی، قومی، ملی، نژادی و مذهبی باشد تا بتواند فارغ از هرگونه تعلقات فکری و بدون واهمه از دست‌دادن موقعیت خود اقدام به صدور آرای عادلانه کند.

### ۳-۱-۴ - تخصص:

تخصص را می‌توان در قالب وجود یک عده قضات تحصیل کرده و با تجربه تعریف نمود که البته در موضوعات ارجاعی نیز از تخصص ویژه مربوط به خود بهره‌مند باشند، در حال حاضر ارجاع موضوعات متنوع و مختلف به یک قاضی را به لحاظ پیچیدگی موضوعات حقوقی و لزوم پرداختن به این موضوعات به صورت دقیق‌تر، مغایر با اصل تخصص‌گرایی می‌دانند اگرچه که قاضی مربوط، اطلاعات کلی علم حقوق را دارا است.

در این مرحله میزان تحصیلات قضات، نحوه آموزش بدو خدمت و مدت و میزان آن، مدارک و مدارج تحصیلی قبل و در حین خدمت قضات، سابقه فعالیت در حرفه وکالت قبل از ورود به شغل قضاوت از جمله معیارهای هستند که برای ارزیابی تخصصی قضات مورد توجه قرار می‌گیرد.

### ۳-۱-۵ - سابقه فعالیت:

سابقه فعالیت یک دادگاه در دراز مدت و کسب اعتباری که این دادگاه با صدور آرای عادلانه و بی‌طرفانه خود در جهت احقاق حق صادر می‌کند و اعتمادی که به این وسیله به سیستم دادگاه و قاضی ایجاد می‌شود، باعث کسب مشروعیت برای یک دادگاه می‌شود، در این زمینه می‌توان به دادگاه‌های "شرع" در کشورهای اسلامی، دادگاه‌های "کامن‌لا" در انگلستان و بسیاری دیگر از دادگاه‌های دیوان عالی کشورها اشاره کرد که با اتکا به فعالیت طولانی خود، به‌طور نسبی از این مشروعیت برخوردار شده‌اند. به‌عنوان مثال دیوان عالی ایالات متحده آمریکا در پی بروز اختلاف در مورد تقلبات انجام گرفته در انتخابات پیشین ریاست جمهوری

آمریکا، رای خود را به نفع جورج بوش صادر کرد و علی‌رغم قابل مناقشه بودن این رأی، مردم به لحاظ اعتمادی که به دیوان مذکور داشتند، رأی صادرشده را به راحتی پذیرفتند.

#### ۶-۱-۳- مشروعیت رژیم حقوقی:

هر پدیده‌ای در جهان ریشه و اساسی دارد و حقوق نیز به‌عنوان یک پدیده اجتماعی دارای اساس و بنیانی است. در مجموع می‌توان گفت که رژیم‌های حقوقی بر سه مکتب فکری بنیان گذارده شده‌اند و اگر چه این سه مکتب در تطورات تاریخی تغییر یافته و تجزیه شده و نام‌های دیگری یافته‌اند اما کماکان در جمع‌بندی کلی از حیطة این سه مکتب بیرون نمی‌روند که به‌طور خلاصه به هر یک از آنها اشاره می‌شود.

#### ۱-۶-۱-۳- مکتب اسلام

نظریه اسلام در باره بنیاد حقوق در این جمله خلاصه می‌شود که: «مقررات الزام آور حقوقی باید بر اساس فطرت و طبیعت انسان استوار باشد آن هم بر طبق رهنمودهایی که خداوند به‌وسیله وحی از طریق پیامبر معصوم به انسان‌ها ابلاغ کرده است. از دیدگاه اسلام آن نظام حقوقی درست، استوار و شایسته حکومت بر انسان‌ها است که بنیادی الهی داشته باشد.» این نظریه را می‌توان از فرازهایی که درآیه ۳۰ از سوره مبارکه روم با رساترین بیان آمده است، استنباط کرد. این فرازها به‌شرح زیر است:

«فأقم وجهک للدين حنیفاً

فطرت الله التي فطر الناس علیها

لا تبدیل لخلق الله

ذلک دین القيم و لکن اکثر الناس لا یعلمون».

#### ۲-۶-۱-۳- مکتب اصالت وضع (پوزیتیویسم):<sup>(۴)</sup>

این مکتب به مکتب تحقیقی نیز ترجمه شده که به عقیده برخی از حقوق دانان یک خطای مشهور است. پیروان این مکتب معتقدند که اراده برترین مقام جامعه، که می‌تواند دولت و یا هیات حاکمه باشد، نیروی سازنده حقوق به شمار می‌رود. سپس اینان اراده دولت را رأساً ارج می‌نهند و آن هم بدان حد که قوانین را تنها به همین دلیل که از خواست و اراده او برآمده است، الزام آور و مشروع می‌دانند.

#### ۳-۶-۱-۳- مکتب اصالت عین (ابژکتیویسم):

این مکتب به مکتب حقوق طبیعی شهرت یافته و بر خلاف مکتب اصالت وضع، طرفداران آن معتقدند که اراده دولت و هیات حاکمه به تنهایی منبع حقوق نیست؛ بلکه اراده دولت‌ها دروضع قوانین تابعی از ضرورت‌ها، ارزشها و معیارهایی است که مستقل از خواست انسان‌ها درجامعه وجود دارند و این امور از اصالت برخوردار هستند و به‌صورت عینی و مستقل از اراده مردم، در جامعه وجود دارند.

#### ۷-۱-۳- مشروعیت دولت متبوع دادگاه:

گاهی اوقات مشروعیت یک دادگاه از سوی مردم مورد انکار قرار می‌گیرد علی‌رغم اینکه آن دادگاه تمام معیارهای مشروعیت را داراست و این امر به‌دلیل آن است که مردم دولت متبوع دادگاه را نامشروع می‌دانند و بالتبع مشروعیتی نیز برای دادگاه منصوب از سوی آن دولت قائل نیستند. در این زمینه می‌توان به دیدگاه مسلمانان فلسطینی نسبت به دادگاه‌های اسرائیلی اشاره کرد و به دلیل اینکه فلسطینی‌ها رژیم اسرائیل را نامشروع می‌دانند، قهراً مشروعیتی نیز برای دادگاه‌های آن قائل نیستند.

مثال دیگر در این مورد دیدگاه مردم آمریکا نسبت به دادگاه‌های "کامن‌لا" در زمان سلطه انگلیس بر این کشور بود. مردم آمریکا حاکمیت استعمار انگلیس بر کشور خود را به رسمیت نمی‌شناختند، لذا آرای صادرشده از سوی دادگاه‌ها را نیز نامشروع و غیرقانونی می‌دانستند با توجه به این واقعیت که دادگاه‌های "کامن‌لا" در آن زمان از سایر معیارهای مشروعیت، بهره‌مند بودند.

#### ۴ - بررسی تطبیقی دادگاه جنایی بین‌المللی با دادگاه‌های عادی

##### ۴-۱) عدالت:

بخش اولی که در این مبحث می‌بایست مورد بررسی قرار گیرد؛ عدالت است، در مورد مفهوم عدالت بحث شد اما شاید بتوان گفت که علی‌رغم تمام تعریف‌هایی که از عدالت داده می‌شود مردم جهان با وجود دارا بودن فرهنگ‌ها و سلیقه‌های مختلف در مورد واژه عدالت، دارای یک اجماع نظر باشند چون شناخت عدالت ناشی از یک فهم فطری است و نیازی به تطبیق آن با معیارهای خارجی ندارد.

آنچه که مورد نیاز بحث ما است، مواردی است که قاضی را از عدالت خارج می‌کند که بارزترین آن اخذ رشوه است. ظاهراً لغت رشوه با شغل قضاوت که از اولین مشاغل دولتی در تاریخ بوده، همزاد است. آنچنان که "عبید زاکانی" در هفتصد سال پیش در کلیات خود در بحث عدالت و در باب مذهب منسوخ، عدالت را به شیوایی تمام تعریف می‌کند و در مذهب مختار به آنچه که عمل می‌شود می‌پردازد و در آخر بحث می‌گوید: "پادشاهان از پی یک مصلحت صد خون کنند" و در رساله تعریفات خود از این تعبیر استفاده کرده است<sup>(۵)</sup>:

- الرشوه: کار ساز بیچارگان.

- القاضی: آنکه همه او را نفرین کنند.

- چشم قاضی: ظرفی که به هیچ (با هیچ چیزی) پر نشود.

- نایب قاضی: آنکه ایمان ندارد.

- السعید: آنکه هرگز روی قاضی نبیند.

صرف نظر از اینکه "عبید زاکانی" با توجه به شرایط حاکم بر جامعه اش تیغ تیز انتقاد را بر روی کلیه صنوف باز کرده اما تعبیری که به کار برده، اجمالاً دیدگاه مردم یک کشور در مورد قضاوت خودشان در یک مقطع تاریخی است و اکنون نیز در بین مردم دنیا تعبیری کم و بیش مانند این وجود دارد. حال چطور می‌توان این وجه از مشروعیت را برای دادگاه جنایی بین‌المللی ایجاد کرد در حالی که مردم در مورد عدالت قضاوت خود مردد هستند و چطور می‌توان به مردم جهان این اطمینان را داد که قضاتی که از اقصی نقاط دنیا در یک محل جمع شده‌اند، عادل هستند.

ممکن است این شائبه ایجاد شود که این مشکل مبتلا به کشورهای جهان سوم است و در کشورهای پیشرفته این مشکل وجود ندارد و مردم آن دیار به عدالت قضاوت خود ایمان دارند که در این زمینه خوانندگان محترم را به سخنرانی "اوان دیویس" در آوریل سال ۲۰۰۲ م، در انجمن حقوق دانان آمریکا در انتقاد نسبت به نحوه انتخاب قضاوت در این کشور و حزب‌گرایی که در انتخاب قضاوت اعمال می‌شود، جلب می‌کنیم<sup>(۶)</sup>.

##### ۴-۲) توانایی اجرای حکم:

همان‌طور که گفته شد اجرای یک حکم قضایی در داخل یک کشور، به‌واسطه حق حاکمیت و اقتداری که دولت در خاک خود دارد و با توجه به سازوکارهایی که پیش‌بینی شده، امکان‌پذیر می‌شود ولی آیا این اقدام در جامعه بین‌الملل هم به همین سادگی امکان‌پذیر است؟

اولین اصل در حقوق بین‌الملل اصل حاکمیت و احترام متقابل بین کشورها و اصل برابری کشورها در جامعه بین‌الملل است؛ حال چطور می‌توان حکم صادرشده در یک دادگاه بین‌المللی را در قلمرو حاکمیت یک دولت دیگر به مورد اجرا درآورد و ساز و کار آن چیست؟

همان‌طور که در سنوات اخیر مشاهده کردیم، قطعنامه‌های فراوانی علیه رژیم بعث عراق، به‌علت جنایاتی که رژیم مذکور مرتکب می‌شد، به‌تصویب رسید و تحریم‌های مختلفی نیز علیه بغداد اعمال شد اما عملاً بی‌نتیجه بود تا اینکه با یک حمله نظامی رژیم صدام برچیده شد و زمینه محاکمه سران آن فراهم شد و یا در قضیه لاکربی که دو تن از اتباع لیبی در دادگاه‌های خارج از لیبی محکوم شده بودند، قریب ده‌سال طول کشید تا لیبی حاضر شد پس از تحریم‌های فروان تن به اجرای حکم داده و اتباع خود را به دادگاه تحویل دهد و این دو مورد مؤثرترین اقداماتی بوده‌اند که تا کنون برای اجرای یک تصمیم بین‌المللی به مورد اجرا درآمده است.

حال این سؤال مطرح می‌شود که آیا می‌توان با این سازوکارهای کند، ناکارآمد، زمان‌بر و پرهزینه به احکام دادگاه‌های بین‌المللی اثر و حیات بخشید و آن را در جامعه بین‌المللی اجرا کرد؟ \_ یا جامعه بین‌المللی حاضر است مجدداً برای اجرای چنین احکامی و تحقق عدالت، چنین هزینه‌های سنگینی را بپردازد؟ و نهایت اینکه اگر منافع کشورهای درگیر در این ماجراها ایجاب نمی‌کرد آیا اصولاً این اقدامات انجام می‌شد؟

پاسخی که مؤسسين دادگاه جنایی بین‌المللی به این انتقاد می‌دهند این است که در کشورهای دمکراتیک اعمال و اجرای قانون در داخل یک کشور بر اساس ایده "قرارداد اجتماعی" انجام می‌شود و این توافق جمعی است که به اجرای حکم در داخل یک قلمرو مشروعیت می‌بخشد؛ نه قدرت حاکم. بنابراین به موجب این توافق جمعی می‌توان اجرای یک حکم را در جامعه بین‌الملل و در کشور دیگر مهیا و میسر کرد.

در پاسخ به این توجیه بایستی گفت که اگر از این منظر هم به دادگاه جنایی بین‌المللی نگاه کنیم باز چنین اجماع و یا چنین قراردادی وجود ندارد چون کشوری مانند آمریکا به‌عنوان بزرگ‌ترین قدرت نظامی، سیاسی و اقتصادی، کشور ژاپن به‌عنوان دومین قدرت اقتصادی، کشورهای چین و هند به‌عنوان پرجمعیت‌ترین کشورهای جهان، روسیه به‌عنوان پهناورترین کشور و اندونزی و پاکستان به‌عنوان پر جمعیت‌ترین کشورهای اسلامی هنوز به این طرح نپیوسته‌اند و درواقع این قرارداد اجتماعی هنوز به وجود نیامده است و تنها اروپایی‌ها پشتیبان آن هستند.

### ۳-۴) استقلال:

"چرچیل" سیاستمدار و دولتمرد مشهور انگلیسی جمله معروفی دارد که واقعیت جامعه بین‌الملل و روابط فی ما بین آنان را برملا می‌سازد و پرده از تعارفات سیاسی بین کشورها فرو می‌افکند و آن مطلب این است: «انگلستان به‌جز منافع خود، هیچ دوست دائمی ندارد.»

اگر چه این مطلب از سوی یک فرد انگلیسی بیان شده ولی واقعیت امر این است که تمام کشورها به این اصل اعتقاد دارند و این اصل در روابط بین آنها ساری و جاری است، به‌عنوان نمونه چین در موارد معدودی

که تا کنون از حق وتوی خود در شورای امنیت استفاده کرده جملگی علیه کشورهای بوده است که تایوان را به رسمیت می‌شناخته‌اند و در واقع چین از این سازوکار بین‌المللی که به منظور ایجاد عدالت و جلوگیری از مناقشات بین‌المللی در اختیارش قرار داده شده، تنها در جهت منافع خود استفاده کرده است و موارد استفاده آمریکا و انگلیس از این حق، در جهت منافع خودشان با توجه به مثال‌های فراوانی که در این زمینه وجود دارد، نیازی به تشریح ندارد.

حال این سوال مطرح می‌گردد که با توجه به شرایط حاکم بر روابط کشورها که جنگ بر سر کسب منافع بیشتر به نحو مطلق است، آیا می‌شود تصور کرد که کشوری قاضی‌ای را به دادگاه جنایی بین‌المللی اعزام کند که منافع آن کشور و یا هم‌پیمانانش را فدای عدالت کند و اگر چنین قاضی‌ای برخلاف این امر، منافع کشورش را فدای عدالت کرد، آیا تضمینی وجود دارد که او بتواند به کار خود ادامه دهد؟

#### ۴-۴) تخصص:

شاید تنها موضوعی که کمتر محل مناقشه باشد، موضوع تخصص است. اما در همین مقال هم این سؤال مطرح است که اگر ترکیب قضات دادگاه متشکل از قضاتی باشد که تابع مکاتب حقوقی مختلف باشند و رژیم حقوقی خود را به عنوان بهترین رژیم حقوقی به رسمیت بشناسند و از سوی دیگر با آیین‌های دادرسی متفاوتی کار کرده و دارای زبان و فرهنگ و مذهب مختلفی باشند، چه مشکلی پیش می‌آید و آیا آنها می‌توانند در یک ترکیب و با وجود تمام این تناقضات با یکدیگر همکاری کرده و آرای عادلانه‌ای صادر نمایند؟

#### ۴-۵) سابقه فعالیت:

همان‌طور که گفته شد سابقه فعالیت یک دادگاه در دراز مدت و کسب اعتباری که با صدور آرای عادلانه و بی‌طرفانه در جهت احقاق حق صادر می‌کند و اعتمادی که به این وسیله به سیستم دادگاه و قاضی ایجاد می‌شود، باعث کسب مشروعیت برای یک دادگاه می‌شود اما در مورد دادگاه جنایی بین‌المللی که تازه تأسیس است و سابقه فعالیتی در این زمینه ندارد نمی‌توان از این منظر مشروعیتی قائل شد.

#### ۴-۶) مشروعیت رژیم حقوقی:

یافتن یک سیستم دادرسی که بتواند نظر کلیه کشورهای تابع رژیم‌های حقوقی مختلف را تأمین کند، قدری مشکل است؛ به‌ویژه کشورهای اسلامی که بیشتر تابع حقوق شرع هستند و اصولاً مشروعیتی برای دادگاه‌های عرفی قائل نیستند. از سوی دیگر اعتقاد کلی مسلمانان که برگرفته از تعالیم قرآن کریم است مبتنی بر نفی هرگونه تسلط از سوی پیروان ادیان دیگر بر مسلمانان است که قطعاً این مشکلات ادامه فعالیت دادگاه مذکور را با مانع جدی مواجه خواهد کرد.

#### ۵ - نتیجه

در روابط حاکم بر جامعه بین‌الملل، منافع ملی کشورها به‌جای عدالت جهانی موضوعیت و محوریت دارد. نتیجه اینکه مناسبات عادلانه‌ای بین آنها برقرار نمی‌شود و دولت‌ها با اتکا به قدرت سیاسی، اقتصادی و نظامی خود اهداف خود را پیش می‌برند.

از سوی دیگر کشورها در جامعه جهانی، حاکمیتی مستقل و برابر بر قلمرو خود دارند و برابر قوانین، توفقی از سوی یک کشور بر کشور دیگر نیست و به همین دلیل امکان اجرای حکم صادرشده در دادگاه‌های بین‌المللی

در داخل یک قلمرو به راحتی میسر نیست. از طرفی بسیاری از کشورهای مقتدر دنیا طرح تأسیس دادگاه جنایی بین‌المللی را امضا نکرده‌اند و بدون مشارکت این کشورها امکان موفقیت دادگاه‌های مذکور بسیار کم است.

علاوه بر مواردی که گفته شد مشکلات دیگری از قبیل رژیم‌های حقوقی متفاوت، اختلافات گوناگون اجتماعی و فرهنگی، عدم اطمینان مردم جهان نسبت به عدالت قضات و مشکلات دیگر نیز وجود دارند که باعث می‌شوند دادگاهی با ویژگی‌ها و اهداف فوق عملاً تشکیل نشود و یا در صورت تشکیل ادامه فعالیتش با بن‌بست مواجه شود.

منابع و ماخذ:

- ۱\_ سایت سازمان ملل متحد: [www.un.com](http://www.un.com)
- ۲\_ سخنرانی کوفی عنان در سازمان ملل متحد به آدرس اینترنتی فوق.
- ۳\_ جعفری لنگرودی، مجمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، انتشارات گنج دانش، چاپ اول.
- ۴\_ خلیلیان، سیدخلیل، حقوق بین‌الملل اسلامی، دفتر نشر و فرهنگ اسلامی.
- ۵\_ کلیات عبید زاکانی، چاپ دوم، سال ۱۳۴۲، انتشارات تهران مصور.
- ۶\_ دادرسی در آمریکا، مولف، جورج. جی روبینسون \_ مترجم: مرتضی درودیان، انتشارات فکر سازان.